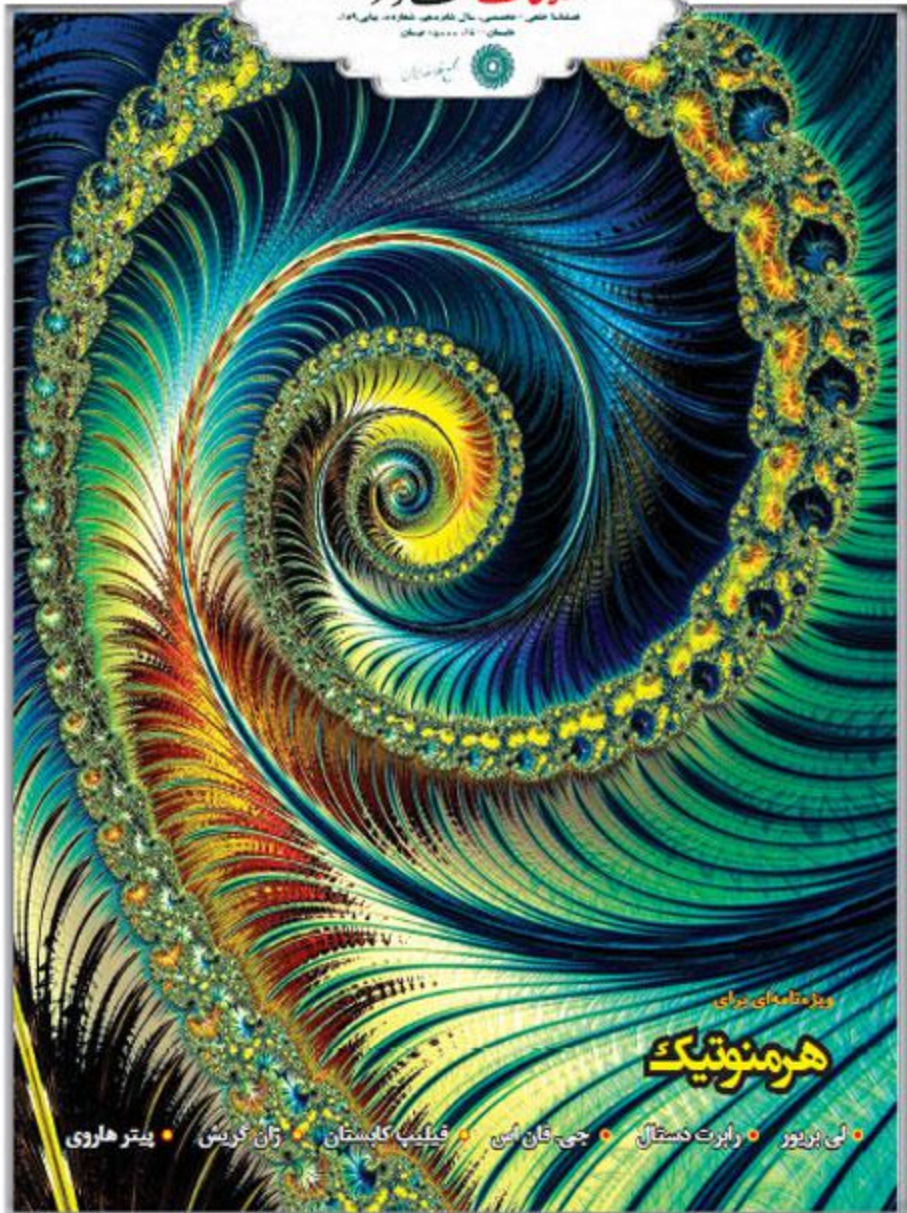


اطلاعات حکمت و معرفت

فصلنامه علمی - تخصصی - خانقاه معرفت، شماره ۱۰، بهار ۱۳۹۱
 صفحه ۱۵۹ - ۱۷۵ - ۱۳۹۱

گنجینه



ویژه نامه‌ای برای

هرمنوتیک

• لی ابریزو • رابرت دستمال • جی فان اس • فلیکس کاستان • زان کریش • پیتر هاروی

فلسفه اخلاق

فلسفه اخلاق مشتمل است بر همه احکام هنجاری، که می‌گویند کدام واکنش‌ها را آدمی باید داشته باشد و همه احکام ارزشی‌ای که انسان و اشیاء را بر طبق معیارهایی، خوب یا بد، زیبا یا زشت و مانند آن، ارزیابی می‌کنند. این تفسیر از فلسفه اخلاق، در خصوص بسیاری از پرسش‌ها دربارهٔ عینیت^۲ در فلسفه اخلاق صدق می‌کند. آنچه عینی است، چیزی است که مستقل از موافق یا موضوع جزئی آدمی، محقق است (ادواردز و بورچرت، ۱۳۹۲: ۷۵۱). به عبارت دیگر، اخلاق عینی است اگر به روان‌شناسی، یا وضعیت روانی آدمی «وابسته نباشد». محققان این را عینیت به معنای «استقلال از ذهن»^۳ نامیده‌اند (ادواردز و بورچرت، ۱۳۹۲: ۷۵۳).

یک تفسیر محتمل دیگر از این فکرت که اخلاق به روانشناسی آدمی «وابسته است» و محققان می‌توانند از آن به «وابستگی صحت به ذهن»^۴ تعبیر کنند، این است که آنچه به موقع صحیح بودن احکام اخلاقی، موجب صحت آنها می‌شود، چیزی در خصوص روانشناسی آدمی است. وابستگی اوصاف اخلاقی به ذهن، مستلزم وابستگی صحت اخلاقی به ذهن است (ادواردز و بورچرت، ۱۳۹۲: ۷۵۴). بخش قابل توجهی از فلسفه اخلاق، مربوط به عینیت در فلسفه اخلاق و بحث در خصوص وابستگی احکام اخلاقی به ذهن آدمی است. دغدغهٔ غالب در میان فیلسوفان دانشگاهی معاصر این است که عینیت احکام اخلاقی با پیوند آشکار میان صدور یک حکم اخلاقی و برانگیخته شدن به عمل بر طبق آن، ناسازگار است (ادواردز و بورچرت، ۱۳۹۲: ۷۵۷).

سه اصل غایی که به کلی‌ترین وجه به موضوع اخلاق ارتباط دارند و شرط لازم برای اثبات هر نظریه، قاعده یا حکم جزئی اخلاقی صحیح محسوب می‌شوند، ولی به هیچ‌وجه شرط کافی آنها نیستند، عبارتند از: اصل بی‌طرفی^۵، خیرخواهی عقلانی^۶ و آزادی^۷ (ادواردز و بورچرت، ۱۳۹۲: ۷۷۰).

برخی از فیلسوفان اخلاق (اسکلان، ۲۰۰۳ به نقل از ادواردز و بورچرت، ۱۳۹۲: ۷۵۹) بر این باور هستند که اخلاق قادر نیست هیچ‌یک از پرسش‌هایی را که طرح می‌کند، یا شماری کافی از آن پرسش‌ها، را فیصله دهد. به عبارت دیگر، اینجا فارق شدیدی میان اخلاق و ریاضیات وجود دارد، چه ریاضیات، بسیاری از پرسش‌هایی را که طرح می‌کند، فیصله می‌بخشد. ممکن است ناکامی استدلال اخلاقی، مشعر بر آن باشد که احکام اخلاقی نمی‌توانند موجه باشند؛ یعنی ما دلیل کافی برای اعتقاد به آنها نداریم، یا ممکن است این ناکامی مشعر بر آن باشد که احکام اخلاقی نمی‌توانند صحیح باشند؛ یعنی جستارمایهٔ اخلاق، به گونه‌ای است که پاسخ‌های منحصر به فرد به پرسش‌های قابل طرح در بارهٔ خود را، محدود نمی‌کند.

«نظریه خطامدار»^۸ پیشنهاد شده از سوی جان ال. مکی (۱۹۷۷) می‌گوید که همهٔ احکام اخلاقی کاذب‌اند به این دلیل که همهٔ آنها مشتمل‌اند بر پیش‌فرض ناصوابی مبنی بر اینکه برخورداری چیزی از یک صفت اخلاقی، چیزی است که می‌تواند به همان صورت محقق باشد (به نقل از ادواردز و بورچرت، ۱۳۹۲: ۷۵۳).

در رویکرد معرفت‌شناسانه به فلسفه اخلاق، در ارزیابی افعال و خط‌مشی‌ها، دو پرسش در خصوص غایات^۹ و عقاید^{۱۰} مطرح می‌شود: ۱. اصول یا معیارهای صحیحی که باید در ارزشیابی‌ها مورد استفاده قرار گیرند، کدام است؟ ۲. مبنای عقلانی برای تلقی یک اصل یا معیار به عنوان اصل یا معیار صحیح چیست؟ (ادواردز و بورچرت، ۱۳۹۲: ۶۶۵).

جستجوی تطبیقی در باب توصیه به خوش‌بین بودن در

دوره‌یافت اخلاقی - دینی و علمی - تجربی

محسن جهان* - علی جهان**

در ابتدای قرن بیستم جمعیت جهان یک‌ونیم میلیارد نفر بود، و در تابستان ۱۴۰۰ از مرز هفت میلیارد و هشتصد میلیون نفر گذشت. افزایش و تراکم جمعیت بشر بویژه در شهرها به‌همراه کمبود فزایندهٔ منابع بویژه آب شیرین، به‌نوبه خود افزایش مرادات انسانی، درگیری و خشونت، اضطراب و استرس فراگیر، ناامیدی و اندوه را به‌دنبال داشته است. با چنین اوضاع و احوالی که بروز همه‌گیری کرونا نیز آن را تشدید کرده است، ضرورت تساهل، تسامح و خوش‌بینی و گذشت در برخوردهای بین فردی و در مقیاسی بزرگتر، در جمعیت‌ها و جوامع بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود و آن را به جزئی ضروری در اخلاق زندگی امروزی بدل می‌سازد. تقریباً در تمام ادیان و مکاتب اخلاقی، بر خوش‌بینی در معاشرت با مردم و مواجه با امور تأکید و توصیه شده است. در نوشتار حاضر، ابتدا معادل خوش‌بینی در رهیافت علمی - تجربی، که بطور خاص در علم آمار ریاضی فرضیه نامیده می‌شود، تعریف و تشریح شده است. سپس، خوش‌بینی یا حسن ظن در معنای دینی و اخلاقی آن بیان گردیده و مصادیقی چند برای آن آورده شده است. همچنین، شواهدی از قرآن و روایات، بویژه از کلام امام اول شیعیان، در باب خوش‌بینی، نتایج آن در مقیاس فرد و اجتماع بیان شده است. بطور کلی، با مقایسه تعاریف و نتایج خوش‌بینی، در دو رهیافت دینی - اخلاقی و علمی - تجربی، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در بدترین حالات، نتایج و عواقب خوش‌بینی بیشتر از عواقب احتمالی سوء آن می‌باشد و بنابراین، شایسته است در سلوک فردی و اجتماعی، مد نظر انسان قرار گیرد.

مقدمه

علم زیست‌شناسی به ما می‌گوید که در دنیای زنده (برای تمام انواع جانداران)، افزایش جمعیت موجود زنده در یک محیط با منابع ثابت (در حقیقت منابع مشترک روبه‌کاهش)، بروز پدیده رقابت را به‌دنبال دارد. هر سال، حدود صد میلیون نفر به جمعیت انسان افزوده می‌گردد. این در حالی است که چندین دهه است که بهره‌برداری بشر از زیست‌بوم خود، از مرز ظرفیت حامل^۱ آن فراتر رفته است که خود به ناپایداری اکوسیستم‌های خشکی و آبی منجر شده و ادامه حیات بیش از هر زمان دیگر بر روی کره خاکی با خطر نابودی و شکنندگی مواجه شده است. در این شرایط، تمامی انواع موجودات زنده، به غیر از انسان، به دنبال کسب منابع بیشتر و حفظ بقاء خود هستند. در این میان، آن چیزی که می‌تواند رفتار انسانی را از دیگر جانداران، متمایز و مقید سازد، وجود عقل و معیارهای اخلاقی برای نوع بشر است. از سوی دیگر، امروزه یکی از پیامدهای گریزناپذیر کرونا، ترس و اضطراب ناشی از گرفتار شدن به آن است که موجی از نگرانی و دلهره فزاینده را در میان افراد جامعه ایجاد کرده است (کریمی، ۱۳۹۹: مقدمه).

در نوشته حاضر، به دنبال یافتن شواهدی بر این نظر هستیم که آیا می‌توان با خوش‌بینی در مرادات انسانی، از دل ناآرامی و ناامیدی، دوباره شعله امید و آرامش را برافروخت؟ آیا می‌توان با توسل به خوش‌بینی، موقعیت‌های فرساینده و کاهنده را به فرصت‌های بالنده و سازنده تبدیل کرد؟ چگونه می‌توان مواهب طربناک را در دل مصائب دردناک کشف کرد؟

علم اخلاق

علم اخلاق شاخه‌ای از علوم انسانی است که موضوع آن شناخت مصادیق ارزش‌ها و بیانگر راه‌های کسب فضائل و ترک رذائل اخلاقی است. اخلاق، جمع خلق است به معنای سرشت، خوی، طبیعت و امثال آن؛ که به معنای صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی به کار می‌رود که با بصیرت درک می‌شود؛ در مقابل خلق که به صورت ظاهری انسان گفته می‌شود، که با چشم قابل رویت است (الزبیدی، ۱۴۱۴: ۲۵۷). اخلاق عملی یا تربیت اخلاقی، فنی است برای رسیدن از وضعیت مطلوب ناموجود به وضعیتی موجود مطلوب در اخلاق (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۵۵۴). از این نظر، اخلاق اساس معنویت است؛ و انسانی که اخلاقی‌تر است، معنوی‌تر نیز هست. (مطهری، ۱۳۸۳: ۵۸؛ طباطبایی، ۱۳۸۲: ۵۵۴). همچنین این قسم از اخلاق یک فن است. از مهم‌ترین مسائل مطرح در این حوزه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۹۶: ۱۶۱): ۱) شناخت و استفاده از مبادی رفتار که خود شامل دو بخش است: الف) مبادی رفتار از نظر علمای پیشین از این قرار است: تصور + تصدیق به فایده + شوق مؤکد. ب) روان‌شناسان معاصر ترکیب مشابه دیگری را پیش‌رو نهاده‌اند: شناخت + انگیزش + توان عملی. ۲) روش ایجاد و از بین بردن صفات اخلاقی. ذیل تعریف بیان شده در هر دو بخش الف و ب، بر تصور، شناخت و انگیزش (که معادل با محور نوشته حاضر که نیک‌گمانی است، می‌باشد) تأکید شده است. مطهری تعریفی از اخلاق را می‌پذیرد که هم به چگونه رفتار کردن توجه کرده باشد و هم به چگونه بودن؛ چگونگی رفتار مربوط می‌شود به اعمال انسان که شامل گفتار هم می‌شود و چگونه بودن مرتبط با صفات و ملکات نفسانی است (مطهری، ۱۳۸۳: ۵۰).

درباره خوب یا بد بودن یک امر دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. مثلاً در یک دیدگاه، تنها در صورتی یک امر خوب است که نتیجه‌های دلخواه به همراه داشته باشد، پیامدگرایی (نتیجه‌گرایی) / پیامدگرایی/غایت‌گرو (رابینسون، ۱۳۸۰: ۷۵ و ۱۵۱)، اما دیدگاهی دیگر، بدون رد نتیجه‌های دلخواه، خوب بودن یک امر را ذاتی می‌داند (وظیفه‌گرایی) (رابینسون، ۱۳۸۰: ۸۴). نظریه‌های کارکردگرایانه^{۱۲} بر آن‌اند که هویت حالتی ذهنی را روابط علی آن با تحریک‌های حسی، دیگر حالات ذهنی و رفتار رقم می‌زنند (گراهام و لوین، ۱۳۹۴: ۶۹). مسئله اخلاق با توجه به جایگاه علمی آن در معارف دینی، همواره مورد توجه علمای دین بوده است. همچنین هر مکتبی داعیه دار مباحث اخلاقی هست و در این باره سخنی به میان می‌آورد، چرا که اخلاق ریشه در فطرت انسان دارد. برخی از ادیان، گرایش دوم در اخلاق را پذیرفته و ادعا می‌نمایند. در اخلاق دین‌مدار این نتیجه‌ها ممکن است در جهان دیگر که فرامادی است نیز اتفاق بیافتند، اما در اخلاق غیردینی، برای مثال در مکتب اگزیستانسیالیسم الحادی، رخداد نتیجه‌های دلخواه برای مثلاً جامعه انسانی، تنها در جهان مادی مدنظر است. در اخلاق غیردینی، ریزالگوهای اخلاقی و این‌که چه اموری نتیجه‌هایی دلخواه برای جامعه انسانی دارند، در صورت لزوم با اجماع روان‌شناسان، فیلسوفان و جامعه‌شناسان برجسته تعیین شود و نه توسط متولیان دین. کم نیستند کسانی که برای راستگویی، درستکاری و یا نوع‌دوستی خویش، نیازی به میانجیگری عقاید یا حتی ایمان دینی نمی‌بینند و این همان اخلاق غیردینی یا اخلاق سکولار^{۱۳} است. یکی از اصلی‌ترین عناصر اخلاق سکولار غیر دینی بودن آن است. در اخلاق سکولار، مرجعیت هرگونه متن یا شخص دینی مردود است و هیچ اصل مسلم و ثابت دینی در تطبیق اخلاق پذیرفته نیست. اساساً اخلاق سکولاریستی بر عناصری از اخلاق طبیعت‌گرایانه محض که به

طور کلی بی‌ارتباط با ادیان و حیانی و گرایش‌های ماوراءطبیعی است پی‌ریزی شده است. از دیگر عناصر اخلاق سکولار، دنیوی بودن آن است. از دیدگاه این مکتب آنچه برای انسان ارزش نهایی دارد، همین زندگی دنیایی و رسیدن به سعادت در آن است. سعادت اخروی یا به‌طور کلی مورد انکار واقع می‌شود و یا آنکه از آن صرف‌نظر شده و بدان بی‌توجهی می‌گردد. ویژگی دیگری که می‌توان برای اخلاق سکولار بر شمرده این است که در این رویکرد، اخلاق امری شخصی است و از این‌رو هیچ‌کس حق اظهار نظر درباره رفتار دیگری را ندارد. نتیجه این مساله آن است که فاعل اخلاقی در مقابل دیگران هیچ احساس شرم و مسؤولیتی نداشته باشد (اسلامی، ۵۱-۳۷: ۱۳۸۱). صرف‌نظر از تفاوت‌ها در نژاد، فرهنگ و تمدن، تقریباً در تمام جوامع انسانی و همچنین در تمام ادیان (آسمانی و غیر آسمانی) و متون و منابع دینی، توصیه‌هایی مبنی بر خوش‌بینی و یا عدم قضاوت در مواجهه با پدیده‌ها و به‌ویژه در برخورد با اشخاص شده است. به‌عبارت دیگر، توصیه می‌شود که در مواجهه با افراد در موقعیت‌های مختلف و به‌طور خاص، موقعیت‌هایی حاکی از وقوع خطا، فرض بر بی‌گناهی شخص گذاشته شود. به بیان ساده‌تر، از دید مخاطب یا مشاهده‌گر که سرانجام باید در خصوص شخص مورد مشاهده یا احتمالاً خاطی شناختی حاصل و بر مبنای آن قضاوت بکند، طرف مقابل در موضعی خشنی، بی‌طرف، بی‌تقصیر و یا نوعی انفعال که نهایتاً می‌توانند از مجازات معاف شود، قرار می‌گیرد. خلاصه مطلب اینکه فرض بر بی‌گناهی شخص است، مگر خلاف آن ثابت شود.

علم و روش علمی

فرض اساسی روش علمی، این است که چیزهای حقیقی وجود دارند که خصوصیاتشان از عقاید ما نسبت به آنها کاملاً مستقل‌اند. خصوصیت روش علمی، خود اصلاحی^{۱۴} است، به این مفهوم که در سرتاسر دانش علمی، واری‌های ذاتی وجود دارد. این واری‌ها چنان ملحوظ و اجرا می‌شوند که فعالیت‌های علمی و نتایج را تا پایان دستیابی به دانش معتبر، کنترل و تضمین می‌کنند (کرلینجر، ۱۳۷۷: ۱۶). هدف اساسی علم، تدوین نظریه است (جستجو برای تبیین‌های کلی برای حل تمام انواع مسایل) (کرلینجر، ۱۳۷۷: ۲۹). مفهوم کلیت مهم است. نظریه‌ها تنها به این دلیل که کلی هستند، درباره پدیده‌های زیاد و افراد زیاد در جاهای زیاد، کاربرد پیدا می‌کنند (کرلینجر، ۱۳۷۷: ۳۱). بخشی از نکته اساسی در پژوهش علمی، تلاش مداوم برای تکرار و واری‌یافته‌ها، اصلاح نظریه^{۱۵}، بر اساس شواهد تجربی و یافتن تبیین‌های بهتر در مورد پدیده‌های طبیعی است (کرلینجر، ۱۳۷۷: ۳۶). در علم آمار که روش‌های آن برای اعتباربخشی به تمام حوزه‌های دانش تجربی به کار می‌رود، در مواجهه با یک اتفاق یا پدیده و در صورت برنامه‌ریزی و طراحی برای آن که نامش را آزمایش یا طرح آزمایشی^{۱۶} می‌گذارند، قبل از هر چیز، فرضیه^{۱۷} ای برقرار می‌شود تحت عنوان فرض صفر. یک فرضیه، بیان حدسی، یک حکم موقتی در مورد روابط بین دو و یا چند پدیده یا متغیر^{۱۸} است (کرلینجر، ۱۳۷۷: ۴۴).

تعریف فرضیه و جایگاه آن در روش علمی

فرضیه تحقیقی یا فرضیه علمی، عبارت است از یک حکم یا بیان رسمی و مثبت برای پیش‌بینی نتیجه یک تحقیق منحصر بفرد، یا توضیح آزمایشی رابطه بین دو یا چند متغیر. فرضیه سبب می‌شود که تحقیق روی یک هدف معین متمرکز شود و آنچه که باید مورد مشاهده قرار گیرد، مشخص گردد. اگر محقق فرضیه صفر را رد کند، فرضیه تحقیق را می‌پذیرد، بنابراین، نتیجه می‌گیرد که رابطه متغیرهای

فرضیه، هرگز به طور مطلق یا صددرصد صورت نمی‌گیرد، بلکه با درجه‌ای از احتمال خطا همراه خواهد بود. این درجه خطا می‌تواند بسیار به صفر نزدیک شود، ولی هرگز صفر نخواهد شد. نکته دیگر اینکه آماردانان در بیان منظور خود به وسیله اصطلاحات آماری بسیار سختگیر هستند، به این معنی که اگر آزمون و تحلیل‌های آماری منجر به رد فرض صفر شوند، این به معنی قبول فرض جایگزین نیست. در حالت دیگر، رد نشدن فرض صفر به معنی قبول آن و رد شدن فرض یک نیست.

علوم تجربی، علوم بی‌طرف هستند. علوم تجربی، علمی نیستند که در آنها از یک مکتب و یا مسلک خاصی طرفداری شده باشد. این علوم اصلاً جنبه ایدئولوژیک ندارند. به این معنا که هیچ کدام از علوم تجربی، علمی نیستند که یک سلسله از پیش‌فرض‌ها و مقدماتشان به صورت جزم‌اندیشانه قبول شده باشند. بنابراین، پذیرش دستاوردهای علوم تجربی از مؤلفه‌های عقلانیت نظری است. در بسیاری از موارد، در عالم نظر و فکر، دست ما از قیاس و استقراء کوتاه است و چاره‌ای جز توسل به بهترین تبیین نداریم. یک تبیین باید سه ویژگی داشته باشد تا بر رقبای خود راجح باشد و بهتر از آنها تلقی شود: اول اینکه، تعداد پیش‌فرض‌های کمتری داشته باشد. دوم اینکه، انسان‌های بیشتری پیش‌فرض‌های آن تبیین را قبول داشته باشند. سوم اینکه، این تبیین بتواند غیر از پدیده مورد بحث، پدیده‌های بیشتری را در برگیرد و در تبیین پدیده‌های دیگر هم کمابیش کمک کند (ملکیان، ۱۳۹۴: ۱۵۸).

فرض علمی و فرض اخلاقی

برای وارد شدن به بحث قضاوت اخلاقی که موضوع نوشته حاضر است، بیان دو تعریف آماری دیگر ضروری است. مطالب فوق نیز برای مهیا نمودن زمینه برای این دو تعریف آورده شده‌اند. این دو تعریف عبارتند از: خطای نوع اول^{۲۹} و خطای نوع دوم^{۳۰}. مطابق تعریف، در خطای نوع اول، فرض صفر رد می‌شود، در حالی که درست است و نباید رد می‌شد. به عبارت دیگر، وجود خطا در داده‌ها، شواهد آزمایشی و یا تحلیل تحلیلیگر سبب بروز تفاوت‌ها یا اختلاف‌هایی در ماده آزمایشی می‌شوند، در حالی که، واقعاً چنین تفاوت‌ها و اختلاف‌هایی وجود ندارد. در این توصیف، تعریف خطای نوع دوم خودبه‌خود رخ می‌نماید و آن این است که وجود خطاهایی سبب شوند تا تفاوت‌ها و اختلاف‌های واقعی موجود در آزمایش نادیده گرفته شوند و در نتیجه فرض یک که نادرست است و باید رد می‌شد، رد نمی‌شود. آماردانان با در نظر گرفتن کلیه جوانب و پیامدها در تمام رشته‌های علمی، خطر خطای نوع دوم را بیشتر از خطای نوع اول می‌دانند. شاید بیان مثال‌های اخلاقی (یا همان توصیه به خوش‌بینی)، به روشن‌تر شدن مفهوم آن کمک نماید. برخورد خوش‌بینانه و بدون قضاوت قبلی با یک فرد خاطی، زمینه‌ساز بروز خطای نوع دوم است. چنین قضاوتی با این شخص در حالی که او مجرم و گناهکار است، او را به مجازات عملش نمی‌رساند (مثلاً او را به زندان نمی‌افکند). بیان مثال‌های مشابه برای تشریح دقیق‌تر خطای نوع اول، به این شرح خواهد بود که شخص درستکار و بی‌گناه در نتیجه قضاوت دادگاه به زندان افکنده می‌شود. به عبارت دیگر، فرض صفر که حاکی از بی‌گناهی این شخص بود، رد می‌شود. به بیان ساده، شواهد و دلایل کافی برای عدم رد فرض صفر، ارائه نمی‌شود. حال نوبت تصمیم‌گیری در خصوص میزان یا درجه یا شدت این دو خطا است. اگرچه به زندان افتادن یک فرد درستکار (خطای نوع اول) در مقیاس فردی می‌تواند به نابودی زندگی او منجر شود، ولی از دیدگاه جامعه‌شناسی، پیامدهای آن بسیار کمتر از رها بودن یک فرد خطاکار و

مورد مشاهده احتمالاً بقدری زیاد است که نمی‌توان آنرا به اشتباه نمونه‌گیری نسبت داد (بست، ۱۳۹۰: ۲۷). فرضیه‌ها ابزارهای مهم و لازم برای تحقیق علمی به‌شمار می‌روند. فرضیه‌ها مزایای عمده‌ای دارند: ۱. آنها مطالعه را جهت می‌دهند و هدایت می‌کنند. ۲. فرضیه‌ها، به دلیل آنکه روابط تعمیم‌یافته را بیان می‌کنند، محقق را قادر می‌سازند که جلوه‌های تجربی آشکاری را که در مسایل و فرضیه‌ها موجودند، استنباط کند. فرضیه‌ها به پژوهشگران امکان می‌دهند که نظریه‌ها (تئوری‌ها) را تأیید و یا رد کنند و به این ترتیب به پیشبرد علم کمک می‌کنند. پژوهشگرانی که برای بیان رابطه از پیش، فرضیه‌هایی نمی‌سازند به حقایق فرصت نمی‌دهند که چیزی را اثبات و یا رد کنند. فرضیه‌ها، پژوهش را هدایت می‌کنند. مشاهدات در صورتی مفید واقع می‌شوند که له یا علیه دیدگاهی باشند. برای آزمون نظریه، تدوین فرضیه‌ها ضروری است. فرضیه‌ها، پل‌های مهم بین نظریه و بررسی تجربی به‌شمار می‌روند (کرلینجر، ۱۳۷۷: ۴۶-۵۰). اگر بتوان بین متغیرها، رابطه‌ای را بیان کرده و متغیرها را به گونه‌ای تعریف کنیم که آزمون رابطه بین آنها امکان‌پذیر باشد، در این صورت می‌توانیم فرضیه داشته باشیم. اما، برای آزمون پرسش‌های ارزشی (اخلاقی)^{۳۱} هیچ‌گونه روش علمی وجود ندارد. اگر یک توضیح را نتوان به شکل فرضیه‌ای آزمون‌پذیر تدوین کرد، در این صورت یک توضیح فراطبیعی تلقی می‌شود و لذا به پژوهش علمی در نمی‌آید (کرلینجر، ۱۳۷۷: ۵۳). قواعد در علوم برای آن وضع می‌شوند که خطا و اشتباه به حداقل کاهش یابد. فرضیه‌ها بخشی از قواعد بازی به‌شمار می‌روند. حتی هنگامی که فرضیه‌ها تأیید نمی‌شوند، دارای قدرند. گاهی یافته‌های منفی به اندازه یافته‌های مثبت اهمیت دارند، زیرا نادانی کلی را ریشه‌کن می‌کنند و گاهی فرضیه‌های مفید و مسیره‌های پژوهش را نشان می‌دهند. اما دانشمند و محقق نمی‌تواند شواهد منفی را از مثبت تمیز دهد، مگر اینکه از فرضیه‌ها استفاده کند (کرلینجر، ۱۳۷۷: ۵۴).

آمار عبارت از مجموعه‌ای از فنون یا روش‌های ریاضی است برای جمع‌آوری، تنظیم، تحلیل و تعبیر و تفسیر داده‌های عددی (بست، ۱۳۹۰: ۲۸۶). بدون فهمیدن تفکر مبتنی بر احتمال و آمار، انجام تحقیق شایسته یا خواندن و فهمیدن گزارش‌های تحقیقی ناممکن است (کرلینجر، ۱۳۷۷: ۱۳). فرض صفر^{۳۲}، حاکی از عدم تأثیر رفتار آزمایشی^{۳۳} بر ماده آزمایشی^{۳۴} است. فرض صفر می‌گوید که بین دو یا چند پارامتر، تفاوت یا رابطه معنی‌داری^{۳۵} وجود ندارد. در فرض صفر چنین قضاوت می‌شود که آیا تفاوت‌ها یا روابط ظاهری، حقیقی هستند یا صرفاً از خطای نمونه‌گیری ناشی می‌شوند (بست، ۱۳۹۰: ۲۳). برای مثال، این موضوع که جوشاندن آب به مدت کمتر از ۱۵ دقیقه تأثیری بر نابودی کلیه میکروب‌های موجود در آن ندارد، یک فرض صفر است. نقطه مقابل فرض صفر که خلاف آن را بیان می‌کند، فرض جایگزین^{۳۶} یا فرض یک نامیده می‌شود. بعد از وضع نمودن فرض صفر، نوبت به روش یا آزمون آماری می‌رسد که طی آن با انجام یکسری محاسبات روی داده‌های اندازه‌گیری و ثبت‌شده، به رد^{۳۷} یا عدم رد فرض صفر می‌انجامد. این رد فرض صفر (و طبیعتاً عدم رد فرض یک) با درجاتی از اطمینان^{۳۸} معمولاً ۹۵ یا ۹۹ درصد (و درجاتی از احتمال^{۳۹} معمولاً ۵ یا ۱ درصد) صورت می‌گیرد. اگر محقق فرضیه صفر را رد کند، فرضیه تحقیق را می‌پذیرد، بنابراین، نتیجه می‌گیرد که رابطه متغیرهای مورد مشاهده احتمالاً بقدری زیاد است که نمی‌توان آنرا به اشتباه نمونه‌گیری نسبت داد (بست، ۱۳۹۰: ۲۳). در همین‌جا تذکر نکته‌ای اساسی، ضروری می‌نماید و آن اینکه در علم آمار و مطالعات علمی - تجربی، رد و عدم رد یک

نیست‌وش باشد خیال اندر روان تو جهانی بر خیالی بین روان
برخیالی صلحشان و جنگشان وز خیالی فخرشان و ننگشان
(مولوی بلخی، ۱۳۹۸: دفتر اول، بخش سوم).

در حکایت زیر نیز همین نکته به صورت دیگری بیان شده است و بنابراین ذکر آن خالی از لطف نخواهد بود: در یونان باستان سقراط تا حد زیادی به دانشمند بودن اشتهار داشت. روزی یکی از آشنایان فیلسوف بزرگ به دیدارش آمد و گفت: آیا می‌دانی در مورد دوستت چه شنیده‌ام؟ سقراط جواب داد: یک دقیقه صبر کن. قبل از این که چیزی بگویی، می‌خواهم امتحان کوچکی را بگذرانی که به آن صافی سه‌گانه گویند. آشنا پرسید: صافی سه‌گانه؟ سقراط ادامه داد: قبل از اینکه با من در مورد دوستم صحبت کنی، شاید بد نباشد که چند لحظه صبر کنی و چیزهایی را که می‌خواهی بگویی، از سه صافی بگذرانی، به‌همین دلیل به این آزمون، صافی سه‌گانه می‌گوییم. اولین صافی "حقیقت" است. آیا تو کاملاً مطمئن هستی مطالبی که می‌خواهی به من بگویی، حقیقت دارد؟ مرد گفت: نه، در واقع من همین الان درباره‌اش شنیدم.

سقراط گفت: بسیار خوب، پس تو واقعاً نمی‌دانی که حقیقت دارد یا نه. حالا دومین صافی را امتحان می‌کنیم.

دومین صافی، "نیکی" است. آیا چیزی که می‌خواهی راجع به دوست من بگویی مطلب خوبی است؟ مرد جواب داد: نه، اتفاقاً کاملاً برعکس. سقراط ادامه می‌دهد: خوب، پس تو می‌خواهی به من راجع به او چیز بدی بگویی، اما دقیقاً از درستی آن مطمئن نیستی. هنوز باید امتحان را ادامه بدهی. چون هنوز یک صافی دیگر باقی مانده. صافی "فایده".

آیا مطلبی که می‌خواهی راجع به دوستم به من بگویی فایده‌ای برای من دارد؟ مرد جواب داد: نه واقعاً نه.

سقراط نتیجه‌گیری کرد: "اگر چیزی که می‌خواهی به من بگویی نه حقیقت است، نه خوب است و نه فایده‌ای دارد، پس چرا اصلاً آن را بگویی" (پیکمال، ۱۳۹۲: ۱۴).

انسان معنوی می‌داند که خطاپذیر است، و به‌واسطه همین آگاهی به خطاپذیر بودن است، که نسبت به دیگران بردبار است، چرا که ممکن است حق با آنها باشد (ملکیان، ۱۳۹۴: ۳۱۰). امام علی (ع) در باب موانع آزادگی می‌فرماید: "هر چه به گوش بشنوی، باطل فرض کن مگر اینکه خلافش ثابت شود؛ همچنین آنچه به چشم بینی باطل فرض کن، مگر اینکه خلافش ثابت شود. فاصله میان حق و باطل چهار انگشت است؛ یعنی فاصله چشم تا گوش" (ملکیان، ۱۳۹۴: ۴۸۸). در ناحیه اراده، اراده انسان‌های معنوی فقط معطوف خیر است. این خیرخواهی در درون خود سه ساحت دارد: انسان خیرخواه در درجه اول، اهل عدالت است؛ در درجه دوم اهل احسان است؛ و در درجه سوم، اهل محبت است (ملکیان، ۱۳۹۴: ۳۹۰).

یکی از دستورات رایج دین مسیحی بر این مضمون تأکید دارد که: "درباره دیگران قضاوت نکنید تا مورد قضاوت قرار نگیرید" (انجیل متی، ۱۳: ۳۶۳). باب ۷، آیه‌های ۱ تا ۵). به بیان آماری، به نظر می‌رسد که در اینجا نیز به دوری از ارتکاب به خطای نوع دوم توصیه شده است. پیشداوری^{۳۳} در کنار خودشیفتگی^{۳۴}، تعصب^{۳۵}، جزم و جمود^{۳۶} و بی‌مدارایی^{۳۷} از مهم‌ترین آفات دینداری در عصر جدید دانسته شده است (ملکیان، ۱۳۹۴: ۲۱). فیلسوف معاصر، کارل پوپر، خوش‌بین بودن در زمانه حاضر را «وظیفه» تک‌تک انسان‌ها می‌داند و می‌گوید: "همه ما در معرض خطا هستیم. در زمانه‌ای که ما زندگی می‌کنیم، همه ما وظیفه داریم که به امور و انسان‌ها خوش‌بین باشیم. رهیافت عقلانی به معنای آمادگی برای پذیرش این نکته است که من ممکن

مجرم (خطای نوع دوم) در جامعه است. نتیجه این که، ارتکاب خطای نوع دوم بسیار خطرناک‌تر و با پیامدهای بیشتر نسبت به خطای نوع اول است. خطای نوع اول، به‌دست نیاوردن یک نتیجه درست است، و خطای نوع دوم به‌دست آوردن یک نتیجه نادرست است. اولی، سلبی و دومی ایجابی است.

جمله‌های حکمت‌آمیزی مانند: پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک و مفاهیم فراوانی که مبنای ارزش اخلاقی را عمل می‌دانند، شاید به نوعی بر این نکته دلالت می‌کنند که ارتکاب به خطای نوع اول یا دوم در حیطه نظر و تئوری به بروز تفاوت‌های آنچنان مهمی نمی‌انجامد تا در عمل. به عبارت دیگر، عملی کردن یک تصمیم نادرست یا بکار بستن یک فرض رندشده که باید رد می‌شد، یا اقدام به عملی بر پایه فرضی نادرست، پیامدهایی گرانبارتر از عملی نکردن یک تصمیم درست، بکار بستن یک فرض رندشده که نباید رد می‌شد و اقدام نکردن به عملی بر پایه فرضی درست، دارد. تأیید یک پیامد مربوط به یک فرضیه مثبت، صحت آن را ثابت نمی‌کند و نتایج مشاهده شده که احتمالاً با یک فرضیه مثبت هماهنگی دارند، همچنین ممکن است با فرضیه‌های دیگری که به همان اندازه موجه، اما رقیب فرضیه مذکور هستند هماهنگ باشند. تأیید یک فرضیه مثبت دلیل قطعی بر صحت آن نیست. رد کردن یک فرضیه صفر یا منفی، آزموننی است که منطق قوی‌تری دارد (با استناد به نظریه ابطال‌پذیری^{۳۸}). دلیلی که با یک فرضیه منفی خاص ناهماهنگ است، مبنایی قوی برای رد آن به‌شمار می‌رود (بست، ۱۳۹۰: ۳۴۵).

شکی نیست که انسان و ذهن او بسیار پیچیده‌تر از هر جاندار دیگر و هر موضوع آزمایشی است و تعمیم یک استدلال آماری به کل جامعه انسانی، خالی از خطا نخواهد بود. انسان‌ها این توانایی را دارند که می‌توانند خود را چنان بنمایانند، که در واقع آنطور نیستند، و این یکی از نگرانی‌های بزرگ فیلسوف مشهور به بدبینی، نیچه^{۳۹} بود. عکس این موضوع نیز صادق است، اگرچه در واقعیت با احتمال وقوع کمتری صورت می‌گیرد و پیامدهای آن نیز بسیار کمتر است.

یا چنان بنمای که هستی یا چنان باش که می‌نمایی به نظر می‌رسد که بایزید بسطامی، با تکیه بر ندای عرفانی درون خود که دست کمی از خرد علمی ندارد، تشخیص داده که نمودن، آنچنان که بودن، ضررش بسیار کمتر از بودن، چنانکه نمودن، است و شاید از همین رو آن را در مصرع اول بیت شعر خود بیان کرده است.

بزرگترین هدف همه انسان‌ها در زندگی این است که به رضایت باطن برسند. برای رضایت باطن، سه مؤلفه بیان شده است: آرامش، شادی و امید (ملکیان، ۱۳۹۴: ۲۶۱). چه بسا بخشی از آرامش و شادی یک انسان دارای زیست معنوی، حاصل خوش‌بینی او باشد. اولین علامت انسان معنوی این است که به خود بدبین است و به دیگران خوش‌بین (ملکیان، ۱۳۹۴: ۴۸۱). به گفته سعدی:

مرا شیخ دانای مرشد شهاب

دو اندرز فرمود بر روی آب

یکی آنکه در نفس خوش‌بین مباش

دگر آنکه در غیر بدبین مباش

شاید آنجایی که مولانا می‌فرماید: "هر کسی از ظن خود شد یارمن / از درون من نجست اسرار من" (مولوی بلخی، ۱۳۹۸: بخش یک، سرآغاز) به این نکته نظر داشته است که به هر حال انسان‌ها در مرادوات خود بر مبنای ظن و گمان خود عمل می‌کنند تا شناسایی افکار طرف مقابل. بنابراین، چه نیکو خواهد بود که این ظن و گمان بر مبنای نیک استوار باشد.

بدگمانی به مؤمن، یکی از سه خصلتی است که خداوند حرام کرده است (ورام، ۱۳۷۶: ۱:۵۲). از دیگر سو، بنابر سخنی از امام علی علیه السلام، آدمی نه تنها باید از بدبینی مؤمنان به خود بیم داشته باشد (ورام، ۱۳۷۶: ۱:۵۲)، بلکه باید بکوشد خوشگمانی دیگران به او از میان نرود (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، حکمت ۲۴۸) از جمله این که حاکمان باید با احسان به مردم موجبات برقراری حسن ظن دوجانبه را فراهم آورند (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، نامه ۵۳). با همه اینها، طبق حدیثی از امام علی علیه السلام، در صورت غلبه فساد بر جامعه، جایی برای حسن ظن نمی ماند؛ برعکس، در حالتی که صلاح بر جامعه حاکم باشد، سوء ظن از مصادیق ظلم است (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، حکمت ۱۱۳). روایتی از امام هادی علیه السلام نیز در این باره وجود دارد (مجلسی، ۱۳۸۶: ۱۹۷: ۷۲).

در حوزه اخلاق و معاشرت، اصل اولی بر حسن ظن است مگر آن که خلاف آن ثابت شود و راز این استثناء آن است که نهاد جامعه و نهادهای اجتماعی بدون پابندی و کاربرد این اصل، استوار و پابرجا نمی باشند. امام علی علیه السلام می فرماید: "گمان و انگارهات از گفتار و کردار برادر مومنات، نیکوترین گونه آن باشد مگر آن که دریایی که وی از سر علم و آگاهی آن کار را انجام داده است" (عاملی، ۱۴۱۴: ۸: ۶۱۴).

اگر انسان بتواند از پیش داوری پرهیز کند و منتظر بماند تا با گذر زمان به حقایق برسد، می تواند زمینه ایجاد حسن ظن را در خود به وجود آورد و به مرور زمان به آن دست یابد. داستان خضر و موسی در قرآن کریم، نمونه ای برجسته از پیش داوری است که به فراق آن دو بزرگ انجامید (کهف، ۸۲-۵۹).

همچنین بنابر حدیثی دیگر از امام علی علیه السلام، از زمان هایی که حسن ظن روا نیست، هنگام گزینش کارگزاران حکومتی است. فُعاد برخی احادیث، در عین حال که مؤمنان را از سوء ظن و بدگمانی به یکدیگر بازمی دارد، (کلینی، ۱۳۷۹: ۲: ۳۶۲؛ ابن بابویه، ۱۳۶۹: ۲: ۲۲۴؛ مجلسی، ۱۳۸۶: ۱۹۴: ۷۲) از آنان می خواهد از کارهایی که سوء ظن دیگران را برمی انگیزد، خودداری کنند تا ردیلت اخلاقی تهمت، که از نتایج سوء ظن است، فراگیر نشود (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، حکمت ۱۵۹).

حسن ظن و نقطه مقابل آن، سوء ظن، در منابع اخلاقی و عرفانی به مناسبت های گوناگون، بحث و بررسی شده است. در سبب تحریم سوء ظن هم برخی آورده اند که چون فقط خدا از اسرار انسانها آگاه است، بنابراین کسی را شایستگی آن نیست که در وجود فرد دیگری به امر سوء و زشتی معتقد شود، مگر آن که آن زشتی بر او عیان شود و قابل تأویل به خیر هم نباشد (غزالی، ۱۹۶۶: ۳: ۱۵۰؛ شهید ثانی، ۱۳۸۳: ۱: ۴۰). بنابراین، حسن ظن به دیگران یعنی تأویل افعال آنان به بهترین وجه ممکن و نه بر وجه فاسد (نراقی، ۱۳۸۷: ۱: ۳۲۰).

نیت، جان عمل است (آمدی، ۱۳۷۷: ۲: ۶۵)، از این رو، درستی و سلامتی عمل در گرو پاکی و خلوص آن است و اگر نیت، ناخالص باشد، عمل نیز به همان اندازه عیب ناک و آفت زده خواهد شد، به همین دلیل، خلوص و پاکی نیت، پالایش و پاکی عمل را در پی خواهد داشت. حسن نیت با چنین نتایجی نیکو، یکی از ره آوردهای حسن ظن است. نیک گمانی، افزون بر این که یکی از عوامل زمینه ساز ارتباط سالم با افراد جامعه است، به نوبه خود دارای ثمرات و ره آوردهایی است که در سخنان امیرالمومنین امام علی (علیه السلام) به آن ها اشاره شده است که بخشی از آن ها در ادامه بیان می شود: "هرکس گمانش نیکو باشد، نیتش نیکوست (آمدی، ۱۳۷۷: ۲: ۶۵)". یکی از عوامل سلامتی دین، گمان نیکوست، چنان که امام علی (علیه

است بر خطا باشم و شما بر صواب، اما با یک تلاش مشترک هر دو می توانیم به حقیقت نزدیک تر شویم (پوپر، ۱۳۷۶: ۱۰۱)".

خوش بینی از منظر قرآن

خوش بینی یا نیک گمانی یا حُسن ظن، از صفات نیک و پسندیده اخلاقی، به معنای خوش بینی و گمان نیک بردن در حق دیگران، در برابر سوء ظن به معنای بدبینی و بدگمانی به دیگران است. در قرآن کریم این دو اصطلاح دقیقاً به همین شکل نیامده، اما در آیه ۱۲ سوره نور به «ظن خیر» و در برابر آن، در دو آیه ۶ و ۱۲ سوره فتح، به گمان بد یا ناپسند «ظن سوء» اشاره شده است که تقریباً همان معنای را می رساند. مؤمنان باید به یکدیگر حسن ظن داشته باشند. به نوشته مفسران، مؤمنان نباید به گفتار کسی که با تهمت زدن به دیگران باعث بدگمانی مؤمنان به یکدیگر می شود، وقعی بنهند، زیرا اصل بر این است که همگان به دور از زشتی ها و بر طریق عدالتند، مگر اینکه خلاف آن به صورت یقینی ثابت شود. به نوشته فخر رازی، دلیل نهی قرآن از سوء ظن و وزیدن مؤمنان به یکدیگر آن است که این ردیلت اخلاقی باعث بروز ردیلت های دیگری می شود که برخی از آنها در آیه یازدهم سوره حجرات بیان شده است. از سوی دیگر به نظر شیخ طوسی، خداوند در این آیه گمان و وزیدنی را نهی کرده است که صاحب آن با این که می تواند، برای اطمینان از صحت آن، به تحقیق بپردازد، چنین نکند و به همان گمانی که راهی به علم و یقین نبرده است، عمل نماید (طوسی، ۱۴۱۳: ۳۵۰). در عین حال، گفته شده است که سوء ظن نهی شده در این آیه نسبت به اهل خیر است و گرنه بدگمانی به اهل فسق قبحی ندارد (ابن جوزی، ۱۴۰۷: ذیل آیه؛ قرطبی، ۱۳۶۸: ۶: ۳۳۲).

آیات و روایات بسیاری در این زمینه ثبت و ضبط گردیده است که از جمله آنها می توان به آیات زیر اشاره نمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا»؛ «ای مومنان از گمان های بد پرهیزید زیرا بعضی از گمان ها گناه است و در امور مردم تجسس نکنید» (حجرات، آیه ۱۲).

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنهُ مَسْئُولٌ»؛ «آنچه را که نمی دانی از او پیروی نکن، چرا که چشم و گوش و دل ها همه مسؤولند» (اسراء، آیه ۳۶).

«وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثُرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ»؛ «(کفار) در قضاوت های خود تنها از ظن و گمان پیروی می کنند در حالی که ظن و گمان به هیچ وجه انسان را به حق و حقیقت نمی رساند» (یونس، آیه ۳۶).

خوش بینی از منظر روایات

در احادیث، مطالب متنوعی درباره حسن ظن و سوء ظن و ریشه ها و پیامدهای آن آمده است؛ از جمله این که بنابر حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، حُسن ظن به خدا، از حسن عبادت آدمی ناشی می شود (ورام، ۱۳۷۶: ۱: ۵۲) و ایمان و سلامت درون خاستگاه آن است. طبق روایتی از امام صادق علیه السلام، داراشدن صفای درونی و قلبی از پیامدهای تخلیق به این خوی نیکوست و همچنین سبب می شود که آدمی با دیده احترام و تواضع به دیگران بنگرد (جعفر بن محمد (ع)، ۱۴۰۰: ۱۷۳). شاید از همین رو باشد که در ادعیه آراسته شدن به این خوی از خدا خواسته شده است (الصحیفه السجادیه؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۲؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۳۲۵) و جملگی امامان شیعه، پیروان خود را به خوش گمانی به دیگران فراخوانده و از بدگمانی باز داشته اند (نهج البلاغه؛ حلوانی، ۱۰۹۰: ۱۴۰۸؛ ابن طاووس، ۱۳۷۰: ۱۶۷؛ مجلسی، ۱۳۸۶: ۱: ۱۰۳؛ مجلسی، ۱۳۸۶: ۱۹۵: ۷۲). حتی بنابر حدیثی نبوی،

<https://plato.stanford.edu/entries/consequentialism>.

دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود. ۱۳۹۶. اخلاق اسلامی. چاپ ۸۶، تهران، نشر معارف، بخش ۳، ص ۱۶۱. // رایسنسون، دیو و گارات، کریس. ۱۳۸۰. اخلاق. ترجمه علی اکبر عبدل آبادی. تهران، نشر شیرازه. // شهیدتانی، زین‌الدین بن علی. ۱۳۸۰. المصنفات الاربعه، قم. رساله: ۱: کشف‌الریبه، ج ۱، ص ۴۰. طباطبایی، محمد حسین. ۱۳۸۲. تفسیر المیزان. ترجمه موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، جلد ۱، ص ۵۵۴. // طوسی، محمدبن حسن. ۱۴۱۱. مصباح‌المتهیج. بیروت، مؤسسه فقه‌الشیعه، ج ۱، ص ۴۲. // طوسی، محمدبن حسن. ۱۴۱۱. مصباح‌المتهیج، بیروت، مؤسسه فقه‌الشیعه، ج ۱، ص ۳۲۵. // طوسی، محمدبن حسن. ۱۴۱۳. التبیان فی تفسیر القرآن. قم، مؤسسه النشر الاسلامی. (ج ۹، ص ۳۵۰. ذیل حجرات ۱۲، چاپ احمد حبیب قصیرعاملی، بیروت). // عاملی، حر. ۱۴۱۴. وسائل‌الشیعه، قم، نشر آل‌البیت. ج ۸، ص ۶۱۴. // علی بن ابیطالب (ع). ۱۳۸۷. نهج‌البلاغه. بیروت چاپ صبیح صالح، قم چاپ افست. حکمت ۱۱۳. // علی بن ابیطالب (ع). ۱۳۸۷. نهج‌البلاغه. بیروت چاپ صبیح صالح، قم چاپ افست. حکمت ۵۳. // علی بن ابیطالب (ع). ۱۳۸۷. نهج‌البلاغه. بیروت چاپ صبیح صالح، قم چاپ افست. حکمت ۱۵۹. // علی بن ابیطالب (ع). ۱۳۸۷. نهج‌البلاغه. بیروت چاپ صبیح صالح، قم چاپ افست. حکمت ۲۴۸. // علی بن حسین (ع). ۱۴۱۱. الصحیفه‌السجادیه، قم، چاپ محمدباقر موحی‌ابطحی، ج ۱، ص ۱۸۲. // غزالی، محمدبن محمد. ۱۹۶۶. احیاء علوم‌الدین. بیروت: دارالندوة‌الجدیدة، ج ۳، ص ۱۵۰. // قرآن کریم. کهف/سوره ۱۸، آیه ۵۹-۸۲ // قرطبی، محمدبن احمد. ۱۳۶۸. الجامع‌لاحکام‌القرآن. تهران، انتشارات ناصر خسرو. ذیل آیه. // کرلیتجر، فرد. ن. ۱۳۷۷. مبانی پژوهش در علوم رفتاری. ترجمه حسن پاشا شریفی، جعفر نجفی زند. تهران، انتشارات آوای نور. // کریمی، عبدالعظیم. ۱۳۹۹. همزیستی با کرونا. تهران، انتشارات صابرین. چاپ اول. // کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۷۹. اصول‌الکافی. ترجمه محمد باقر کمره‌ای. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی. ج ۲، ص ۳۶۲. // راهام، جورج و لوین، جنت. ۱۳۹۴. رفتارگرایی و کارکردگرایی. ترجمه یاسر پوراسماعیل. تهران، ققنوس. دانشنامه فلسفی استنفورد، ۲۹. // گروه پژوهشی علوم قرآن و حدیث، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، ج ۱، ص ۲۶۵-۲۷۵. مجلسی، محمد باقر. ۱۳۸۶. بحار الانوار. چاپ چهارم، تهران، انتشارات اسلامی. ج ۱۰، ص ۱۰۳. // مجلسی، محمد باقر. ۱۳۸۶. بحار الانوار. چاپ چهارم، تهران، انتشارات اسلامی. ج ۷۲، ص ۱۹۵. // مجلسی، محمد باقر. ۱۳۸۶. بحار الانوار. چاپ چهارم، تهران، انتشارات اسلامی. ج ۷۲، ص ۱۹۷. // مجلسی، محمد باقر. ۱۳۸۶. بحار الانوار. چاپ چهارم، تهران، انتشارات اسلامی. ج ۷۲، ص ۱۹۴ تا ۲۰۲. // مطهری، مرتضی. ۱۳۸۳. انسان کامل. چاپ سی‌ام. تهران، نشر بنیاد علمی فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری. گفتار پنجم. ص ۵۰ و ۵۸. // لکیان، مصطفی. ۱۳۹۴. در رهگذار باد و نگاهبان لاله. تهران، نشر نگاه معاصر. جلد نخست. // مولوی بلخی، جلال‌الدین محمد. ۱۳۹۸. مثنوی معنوی. تصحیح محمد علی موحی. تهران، هرمس. // نراقی، محمد مهدی بن ابیذر. ۱۳۸۷. جامع‌السعادات. نجف، چاپ محمد کلانتر. بیروت، چاپ افست. ج ۱، ص ۳۲۰. // نیلی پور، مهدی. ۱۳۹۰. بهشت اخلاق. اصفهان، انتشارات مرغ سلیمان. ج ۱، ص ۲۷۰. // ورام، مسعودبن عیسی. ۱۳۷۶. تنبیه‌الخواطر و نزهة‌النواظر المعروف بمجموعه ورام، تهران، ج ۱، ص ۵۲. (چاپ علی اصغر حامد).

پی‌نوشت‌ها:

1. Carrying capacity // 2. Objectivity // 3. Objectivity as mind independence // 4. Mind dependence of correctness // 5. Impartiality // 6. Rational benevolence // 7. Liberty // 8. Error theory // 9. Goals // 10. Beliefs // 11. Consequentialist ethics // 12. Functionalism // 13. Secular // 14. self-correction // 15. Theory or Thesis // 16. Experimental design // 17. Hypothesis // 18. Variable // 19. Ethics // 20. Null hypothesis // 21. Treatment // 22. Experimental material // 23 Significant // 24 Alternative hypothesis // 25. Reject // 26. Confidence // 27. Probability level // 28. Error // 29. Type I Error // 30. Type II Error // 31. Refutability theory // 32. Niche // 33. prejudice // 34. narcissism // 35. fanaticism // 36. dogmatism // 37. intolerance.

السلام) می‌فرماید: "پندار نیک، سلامتی دین است". ایشان، گمان نیک را باعث آسایش و آرامش دل می‌داند: "نیک‌پنداری، مایه آسایش و آرامش دل است (آمدی، ۱۳۷۷: ۲:۶۵)". یکی از ره‌آورد‌های حسن ظن برای همه گروه‌های اجتماعی، گره‌گشایی از زندگی آنان است. امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر می‌فرماید: "و بدان که رفتار تو چنان باید، که نیک‌گمانی به مردم برایت فراهم آید، زیرا نیک‌گمانی، رنجی دراز را از تو می‌زداید". "چه بسیارند مؤمنانی که شکیبایی و نیک‌گمانی، آنان را به پیروزی رسانده است." "پندار نیک، اندوه را می‌کاهد (آمدی، ۱۳۷۷: ۲:۶۵)". "هر کس به مردم نیک‌گمان باشد، محبت و مهر آنان را به‌دست خواهد آورد (آمدی، ۱۳۷۷: ۲:۶۶)". در مقیاس جامعه نیز، نیکوکاری، نتایج و ثمراتی گوناگونی دارد که یکی از آنها پندار نیک است. بر این اساس، هر کس در جامعه، تخم نیکوکاری و احسان بپاشد، ثمره‌ای به نام پندار نیک دیگران به خودش را، برداشت خواهد کرد. امام علی (علیه السلام) در عهدنامه مالک اشتر، خطاب به وی چنین نوشته است: "بدان که هیچ چیزی بهتر از نیکوکاری فرمانروا به شهروندان، حسن ظن آنان را به او بر نمی‌انگیزد (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷: نامه ۵۳؛ گروه پژوهشی علوم قرآن و حدیث، ۲۷۵ - ۲۶۵؛ ۱؛ نیلی پور، ۱۳۹۰: ۲۷۰: ۱).

نتیجه‌گیری

خوش‌بینی یا حسن ظن، از صفات نیک و پسندیده اخلاقی می‌باشد، و به‌معنای گمان نیک بردن در حق دیگران است. نیک‌گمانی، افزون بر این که یکی از عوامل زمینه‌ساز ارتباط سالم فرد با دیگر افراد جامعه است، به‌نوبه خود دارای ثمرات و ره‌آورد‌هایی نیکو در جسم و جان و روان انسان است. به‌نظر می‌رسد که خوش‌بینی نه تنها در کنش‌های افراد در حوزه‌های اجتماعی و فردی (اخلاق عملی)، پیامدهایی نیک در بر دارد، بلکه در کاوش‌ها و پژوهش‌های علمی نیز، می‌تواند زمینه‌ساز انجام صحیح مراحل شناخت علمی شده و در نهایت منجر به ظهور و بازنمایی واقعیت علمی شود.

* استاد دانشگاه فردوسی مشهد

** مدرس فلسفه دانشگاه فردوسی مشهد

منابع

ابن‌بابویه. ۱۳۶۲. کتاب‌الخصال. قم، چاپ علی اکبر غفاری. ج ۲، ص ۶۲۴. // ابن جوزی. ۱۴۰۷. زاد‌المسیر فی علم‌التفسیر، ذیل آیه، بیروت، چاپ محمدبن عبدالرحمان عبدالله. // ابن‌طاووس. ۱۳۷۰. کشف‌المحجبه لثمره‌المهجه، ج ۱، ص ۱۶۷، نجف، منشورات‌المطبعة‌الحیدریه. // ادواردز، پل. بورچرت، دونالد. م. ۱۳۹۲. دانشنامه فلسفه اخلاق. ترجمه انشاءالله رحمتی. تهران، انتشارات سوفیا. // اسلامی، محمد تقی. ۱۳۸۱. فردگرایی لیبرال. رواق اندیشه، شماره ۱۰، ص ۳۷ تا ۵۱. // الزبیدی، محمد مرتضی. ۱۴۱۴. تاج‌العروس من جواهر القاموس. بیروت، دار‌المکتبه‌الحیاه، ج ۲۵، ص ۲۵۷. // انجیل متی. ۱۳۶۳. تهران، انتشارات انجمن کتاب مقدس. // آمدی، عبدالواحدبن محمد. ۱۳۷۷. غررالحکم و دررالکلم. ترجمه سید هاشم رسولی‌محلانی. تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ج ۲، ص ۶۵ و ۶۶. // بست، جان. ۱۳۹۰. روش‌های تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری. ترجمه حسن پاشا شریفی و نرگس طالقانی. تهران، نشر رشد. چاپ یازدهم. // پوپر، کارل. ر. ۱۳۷۶. درس این قرن. ترجمه علی پایا. تهران، انتشارات طرح نو. // پیکمال، میشال. ۱۳۹۲. حکایت‌های فلسفی. ترجمه مهدی ضرغامیان. تهران، ققنوس. ج ۱، ص ۱۴. // جعفر بن محمد (ع)، ۱۴۰۰. مصباح‌الشریعه، (منسوب به) امام جعفرصادق (ع)، ج ۱، ص ۱۷۳، بیروت: مؤسسه‌الاعلمی‌للمطبوعات. // حلوانی، حسین‌بن محمد. ۱۴۰۸. نزهة‌النواظر و تنبیه‌الخاطر. قم، درسه الإمام‌المهدی (علیه‌السلام) ج ۱، ص ۱۰۹. // دانشنامه فلسفه استنفورد. پیامدگرایی.